

فرمانده انتظامی خراسان رضوی تشریح کرد:

آدم ربایی مسلحانه بیت کوینی!

متهم: قرار بود طرح نقشه، دیه چاقو کشی ۲ سال قبل مر ایدر دازد!



محل وقوع آدم ربایی، تحقیقات آغاز و پرونده قضایی در حالی تشکیل شد که «الف» نتوانست مشخصاتی از تبهکاران مسلح به پلیس ارائه کند.

با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع، این پرونده با صدور فرمانی از سوی سردار محمد کاظم تقوی (رئیس پلیس خراسان رضوی) به پلیس آگاهی ارسال شد تا به طور ویژه و تخصصی مورد رسیدگی قرار گیرد. این گونه بود که جلسه تجزیه و تحلیل علمی این ماجرا، شبانه در دفتر سرهنگ شفیع زاده (رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی) و با حضور سرهنگ کارآگاه غلامی ثانی (رئیس اداره جنایی) تشکیل شد و همه زوایای این ماجرا مورد بررسی های کارشناسی قرار گرفت. در نهایت گروه ورزیده ای از کارآگاهان دایره مبارزه با آدم ربایی و سرعت های مسلحانه مامور رسیدگی به این پرونده شدند و در چند شاخه اطلاعاتی و عملیاتی به تحقیق پرداختند. دستور سردار واضح بود «تا نجات جان گروگان، عملیات های پلیسی به صورت شبانه روزی ادامه یابد» به همین دلیل کارآگاهان با اعزیمت به محل وقوع آدم ربایی به رصد های اطلاعاتی ادامه دادند تا این که حدود ساعت ۲ بامداد و در حالی که سرخ های مهمی از سر نشینان و مشخصات

گروگان گیران را با شیوه و شگرد دیگری ادامه دادند چرا که دیگر گروگان در حلقه امنیتی پلیس قرار داشت و باید عملیات به گونه ای تغییر می کرد که تبهکاران تصور کنند با رهایی گروگان دیگر تحت تعقیب پلیس نیستند. به همین دلیل مرحله بعدی از این عملیات به طور غیر محسوس و اطلاعاتی آغاز شد. سردار محمد کاظم تقوی افزود: گروگان ۳۲ ساله در اظهارات خود گفت: با آن که مرا با چشم و دست و پای بسته ر بوندند اما در یک لحظه از سخنانی که بین آن هار د و بدل می شد متوجه شدم مرا به باغی برده اند که در آن میز بیلیارد وجود داشت! در عین حال آن هار ما را شکنجه دادند و با تهدید به مرگ با اسلحه، رمز حساب کاربری سایتی را گرفتند که در آن حساب بیت کوین داشتیم! سکاندار امنیت خراسان رضوی تصریح کرد: با همین سرخ ، کارآگاهان به ردیابی باغ ویلاهای منطقه مذکور پرداختند و باغ یاد شده را در بولوار توس شناسایی کردند. بررسی ها نشان داد: مالک باغ ویلا آن را برای چند روز به یک جوان به نام کمال اجاره داده است. اما از سوی دیگر انگیزه آدم ربایان برای پلیس مشخص شد و بلافاصله مکاتبات با متصدیان سایت مذکور برای همکاری با پلیس آغاز شد و این در حالی



پژو ۴۰۵ مشکلی رنگ به دست آمده بود خبری در بیسیم های کارآگاهان بیچید، «گروگان ۳۲ ساله کنار رودخانه ای در بولوار شاهنامه ۴۴ با دست و پای بسته رها شده است». بنابر گزارش خراسان، اگر چه شنیدن این خبر که بارمزهای پلیسی در بی سیم مخابره می شد بر قی شادی را بر چهره کارآگاهان نشان داد دستگیری تبهکاران و شناسایی مخفیگاه آنان در مرحله بعدی عملیات قرار داشت که مورد تاکید فرمانده انتظامی استان بود.

کلیددار امنیت سرزمین خورشید در باره ماجرای دستگیری گروگان گیران مسلح نقابدار به خراسان گفت: وقتی گروگان ۳۲ ساله با کمک یکی از اهالی بولوار شاهنامه با پلیس تماس گرفت بی درنگ کارآگاهان به سراغ او رفتند و عملیات شناسایی

را انکار می کرد اما وقتی ایمیل و دیگر مدار کرا دید «محمد» ارز دیجیتال (بیت کوین) دارد که چند میلیارد تومان می ارزد به همین دلیل نقشه ای کشیدم تا رمز او را به دست آورم اما با آن که در شرکت هر می با هم بودیم، موفق نمی شدم تا این که سراغ «کمال» رفتم. او از دوستان قدیمی ام در منطقه مهر آباد بود که به خاطر چاقو کشی باید دیه می پرداخت اما افراد دیگری را که در این ماجرا نقش داشتند نمی شناسم!

فرمانده انتظامی خراسان رضوی با اشاره به «اقتدار پلیس در جرایم خاص» تاکید کرد: با اعتراضات این متهم، بلافاصله کارآگاهان با دستورات ویژه قضایی به سراغ «کمال» رفتند چرا که تردیدی در نقش او با توجه به اجاره باغ ویلا در این ماجرا وجود نداشت. وی افزود: با آن که کمال متهم فراری بود به صورت مخفیانه زندگی می کرد با لاخره مخفیگاه او در خیابان صدر شناسایی شد و این جوان در یک عملیات ضربتی به دام افتاد. او که با دیدن سعید در پلیس آگاهی نمی توانست حقیقت موضوع را بپذیرد گفت: من متهم این ماجرا هستم: دو سال قبل به خاطر چاقو کشی به زندان و پرداخت حدود ۱۵۰ میلیون تومان دیه محکوم شدم، وقتی سعید به من گفت: اگر فردی به نام «محمد» را ربایید و رمز حساب ارز دیجیتال او را بگیرید من هم دیه را می پردازم، دیگر و سوسه شدم و قبول کردم. یکی از دوستانم در نمایشگاه فروش خودرو کاری کرد که پژوی متعلق به یکی از مشتریان را برداشتم و با هم دستي دونفر دیگر از دوستانم نقشه آدم ربایی سعید را کاملاً بر سر می کردم. نقشه بسیار پیچیده بود و اصلاً فکر نمی کردم پلیس بتواند مارا شناسایی کند. دوروز قبل از آدم ربایی، باغی را در بولوار توس اجاره کردم تا این که «سعید» پیام داد امشب (۹۹/۲/۲۳) در منزلی جلسه داریم. قبل از آن، منزل را در بولوار شهید فکوری به من نشان داد که من هم طبق نقشه با دوستانم او را برودم. وقتی رمز حساب را از او گرفتیم توسط یکی از همدستانم رمز را مقابل بیمارستان رضوی به سعید رساندیم. او هم بعد از آن که ارز هار را به حساب خودش انتقال داد با من تماس گرفت که گروگان را رها کنیم! ما هم او را به کنار رودخانه شاهنامه ۴۴ بردیم و با دست و پای بسته رها کردیم!...

فرمانده حافظان امنیت خراسان رضوی با قدر دانی از تلاش کارآگاهان یادآور شد: تحقیقات پلیسی با دستورات ویژه قضایی برای ریشه یابی این پرونده و دستگیری دیگر عوامل مرتبط با آن ادامه دارد. وی در پایان به افرادی که چنین نقشه هایی را در ذهن می پروراند، هشدار داد: بقیین بدانید در صورت ارتکاب چنین جرایمی در هر نقطه ای از خراسان رضوی، پلیس با قاطعیت موضوع را پیگیری می کند و مجرمان را از هر سوراخی بیرون می کشد پس بهتر است راه در دست را در زندگی انتخاب کنید تا سال های عمرتان را پشت میله های زندان نگذرانید.

پژو ۴۰۵ مشکلی رنگ به دست آمده بود خبری در بیسیم های کارآگاهان بیچید، «گروگان ۳۲ ساله کنار رودخانه ای در بولوار شاهنامه ۴۴ با دست و پای بسته رها شده است». بنابر گزارش خراسان، اگر چه شنیدن این خبر که بارمزهای پلیسی در بی سیم مخابره می شد بر قی شادی را بر چهره کارآگاهان نشان داد دستگیری تبهکاران و شناسایی مخفیگاه آنان در مرحله بعدی عملیات قرار داشت که مورد تاکید فرمانده انتظامی استان بود.

کلیددار امنیت سرزمین خورشید در باره ماجرای دستگیری گروگان گیران مسلح نقابدار به خراسان گفت: وقتی گروگان ۳۲ ساله با کمک یکی از اهالی بولوار شاهنامه با پلیس تماس گرفت بی درنگ کارآگاهان به سراغ او رفتند و عملیات شناسایی

سجاد پور- تبهکاران مسلحی که جوانی را برای دستبرد به حساب بیت کوینی اش ربودند در حالی با تلاش شبانه روزی کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی دستگیر شدند که ادعا داشتند نقشه پیچیده ای را برای ارتکاب جرم طراحی کرده بودند.

به گزارش اختصاصی خراسان، اوایل شب بیست و سوم اردیبهشت گذشته بود که افرادی به آرامی وارد خانه ای ویلایی در بولوار شهید فکوری مشهد می شدند. قرار بود جلسه یکی از شرکت های هرمی در آن خانه برگزار شود و به همین دلیل اعضای شرکت برای آن که جلب توجه نکنند به تنهایی و با رعایت احتیاط با آن خانه ویلایی می گذاشتند. در همین حال یک دستگاه پژو ۴۰۵ مشکلی رنگ که سه سر نشین داشت کمی دور تر از این خانه ویلایی در حالی متوقف شد که سر نشینان آن چشم به خانه ویلایی دوختند و به کمین نشستند، هیچ کس نمی دانست که یکی از اعضای جلسه شرکت هرمی نقشه و خشتناکی را به اجرا گذاشته است. او از درون جلسه پیامکی را برای کمال (سردسته تبهکاران) ارسال کرد و به او اطلاع داد که تا چند دقیقه دیگر جلسه پایان می یابد! سر نشینان پژو ۴۰۵ با دیدن این پیام، ماسک های بهداشتی را به صورت زدند و سلاح هایشان را آماده کردند. ناگهان اعضای شرکت هرمی یکی یکی از خانه ویلایی بیرون آمدند و هر کدام به سویی رفتند در این میان اما چشم های تبهکاران به «محمد» جوان ۳۲ ساله ای دوخته شد که به همراه یکی از دوستانش به نام «الف» از خانه ویلایی بیرون آمد و به طرف خودروی بنز رفت! در آن هوای بارانی به محض این که «محمد» با ریموت قفل مرکزی را باز کرد، سر نشینان پژو او را محاصره کردند و ناگهان تیغه قهقهه چاقو در هوا درخشید. پژو سواران به سوی «محمد» حمله ور شدند تا او را به درون پژوی مشکلی بکشانند. «الف» (دوست محمد) که هنوز نمی دانست چه اتفاقی افتاده، هراسان به طرف پرایدش دوید و با برداشتن قفل فرمان به سوی نقابداران مسلح یورش برد که ناگهان در تاریکی شب لوله اسلحه را دید که به سمت او نشانه رفته بود! مردی که سلاح در دست داشت فریاد زد: «تکان نخور! با تو کاری نداریم!» گزارش خراسان حاکی است، «الف» که با دیدن سلاح در تاریکی شب وحشت زده میخکوب شده بود، با فرار تبهکاران نقابدار، گوشی تلفن را برداشت و با پلیس تماس گرفت. دقایقی بعد با حضور نیروهای انتظامی در

در امتداد تاریکی

دسیسه شیطانی برای اعدام شوهر!

وقتی قطعات پازل آن جنایت هولناک کنار هم قرار گرفت، تازه مشخص شد که زن جوان چگونه با یک نقشه شوم و پیچیده ماجرای قتلی را طراحی کرده است که...

زمستان سال ۸۹، زمانی که در سمت ریاست آگاهی چنان ان مشغول انجام وظیفه بودم با دریافت خبر کشف جسد سوخته یک مرد در اطراف پروژه های مسکن مهر شهر جدید گلپهر، به همراه چند تن از همکارانم عازم محل شدیم. جسد که داخل دو چادر شب و پتو قرار داشت، به طور کامل سوخته بود، به طوری که حتی امکان انگشت نگاری وجود نداشت. پس از جست و جو در اطراف جسد، یک دسته کلید، سیم کارت شکسته و تکه کاغذی سوخته که شماره کدپستی داشت جمع آوری و ضمیمه پرونده شد. با همکاری صمیمانه اداره اطلاعات جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی، ساعتی بعد مشخصات مالک سیم کارت و کدپستی به دست آمد و مشخص شد که یک شماره تلفن ثابت در سیم کارت وجود دارد که با مشخصات مالک کدپستی و سیم کارت مطابقت می کند. تماس با آن شماره تلفن سرخ مهم این پرونده جنایی شد. مردی که از آن سوی خط خود را از اهالی یکی از روستاهای نزدیک شیروان معرفی می کرد، در پاسخ گفت: پسر م از سه روز قبل و با خودروی پرایدش به سمت گلپهر حرکت کرد ولی دیگر از او خبری نداریم. به همین دلیل ما جرایم گم شدنش را به پلیس شهرستان شیروان گزارش دادیم. وقتی خانواده جوان پرایدسوار جسد سوخته را در پزشکی قانونی دیدند، او را نشناختند اما عموی جوان گمشده از چند دندان پروتز متحرک در دهان برادر زاده اش سخن گفت که گره گشای شناسایی هویت جسد شد. علاوه بر آن، کلید مشترک حیاط منزل که در صحنه جنایت پیدا شده بود با کلید دیگر اعضای خانواده مطابقت داشت و مشخص شد که جسد سوخته مربوط به جوان پرایدسوار است. در این هنگام یکی از بستگان مقتول مرا به آرامی کناری کشید و در حالی که شماره تلفنی را به دستم می داد، گفت: جوان پرایدسوار این شماره را به من داد و گفت، اگر من باز نگشتم سراغ مرا از این شماره تلفن بگیرید. وقتی به آن شماره زنگ زدم مرد جوانی که خود را ساکن گلپهر معرفی می کرد بدون هیچ نگرانی گفت: قرار بود «صابر» نزد من بیاید اما نیامد! خلاصه، با دستور قضایی آن جوان که خودش را به آگاهی شیروان معرفی کرده بود، به چنان ان احضار کردیم و مورد بازجویی های تخصصی قرار دادیم. مرد جوان که بدون هیچ استرسی سخن می گفت، دوستی خودش و جوان پرایدسوار را به چند ماه قبل ارتباط داد ولی ادعا کرد که از نیامدن دوستش به گلپهر نگران نشده است. این موضوع که او حتی تماسی هم برای جویا شدن از علت نیامدن دوستش با او نگرفته بود، ظن مرا برانگیخت. دقایقی بعد منزل او را با دستور قضایی در گلپهر مورد بازرسی قرار دادیم تا این که در جست و جوی دقیق، عین چادر شب هاو پتویی که جسد درون آن قرار داشت از منزل وی کشف شد و مرد جوان به عنوان متهم در حالی مورد بازجویی قرار گرفت که خودروی پراید مقتول نیز در یکی از خیابان های چنان ان پیدا شد. در همین حال، همسر «صمد» نیز برای انجام تحقیقات به پلیس آگاهی احضار شد. اما این زوج جوان مهارت رانندگی نداشتند و بدین ترتیب معامی دیگری مقابل پلیس گشوده شد. در همین حال مرد جوان در بازجویی ها اعتراف کرد، جوان پرایدسوار (صابر) به همسرش نظر سوء داشت، به همین دلیل او را با تر فندی خاص به منزلش کشید و به قتل رسانده است. با وجود این، هنوز قطعه پازل حمل جسد جوان پرایدسوار که اندامی درشت داشت و همچنین انتقال خودرو به چنان ان با داستان «صمد» مطابقت نداشت، به همین دلیل فرضیه رد پای نفر سوم در این جنایت مطرح شد. تحقیقات غیر محسوس در باره وضعیت اجتماعی و اخلاقی همسر صمد آغاز و مشخص شد او دارای روابط غیر اخلاقی با جوان دیگری به نام «کریم» است. همسر صمد وقتی دوباره به اتاق بازجویی هدایت شد و در برابر سوالات فنی قرار گرفت. ناگهان راز عجیب و یک نقشه شوم شیطانی افاش کرد و گفت: ابتدا مدتی با جوان پرایدسوار رابطه داشتم اما بعد از آن به کریم دل باختم سپس با نقشه من، کریم با همسر م آشنا شد و به او گفت صابر به همسرت نظر سوء دارد، او هم صابر را با نقشه کریم به منزل مان کشید و او را د نفری به قتل رساندند اما من به همسر م گفتم کریم برای دفاع از ناموس تو دست به این جنایت زده است و باید خودت این قتل را به گردن بگیری! فکر می کردم این گونه همسر م اعدام می شود و من هم به کریم می رسم اما...

ماجرای واقعی بر اساس خاطرات سرهنگ کارآگاه محمدرضا جعفری

تفریحی که به تلخی ختم شد

توکی- مرد میان سال جیرفتی در یک شنا و آب تنی خیلی ساده غرق شد و جان باخت. به گزارش خبرنگار ما، سرهنگ رضا محمدرضایی فرمانده انتظامی جیرفت با اشاره به مرگ دلخراش یک مرد ۴۷ ساله بر اثر غرق شدن در رودخانه «لیل رود» این شهرستان بیان کرد: متأسفانه این چندمین غرق شدگی از ابتدای امسال است که در نقاط مختلف این رودخانه رخ می دهد. وی افزود: در پی اعلام مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر غرق شدن یک مرد میان سال در رودخانه «لیل رود» بلافاصله عوامل انتظامی و امدادی به محل مژبور اعزام شدند. وی گفت: بابررسی های انجام گرفته مشخص شد این فرد که به همراه دو نفر از دوستانش برای تفریح و شنا در رودخانه «لیل رود» شده بود به دلیل آشنا نبودن با فنون شنا غرق شده است. وی خاطر نشان کرد: جسد قربانی با تلاش عوامل امدادی از آب بیرون کشیده شد و به پزشکی قانونی منتقل شد. این مسئول انتظامی یادآور شد: شنا و آب تنی در مکان های نامناسب بدون آگاهی از عمق آب و نداشتن مهارت کافی در فنون شنا از مهم ترین دلایل غرق شدگی است که می طلبد همگان با خودداری از این عمل خطرناک دچار حوادث تلخ نشوند. بنابر این گزارش از ابتدای امسال ۲۲ نفر در استان کویری کرمان بر اثر غرق شدگی جان باختند.

جناب آقای دکتر احمد صفاری

مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده از درگاه خداوند متعال برایتان صبر و شکیبایی آرزو مندیم .
کلینیک فوق تخصصی داخلی و مودوالیز سبز در مان

برقباد صبر، که صبر دشمنی استوار است و عبادت اهل یقین



خانواده محترم انتظامی

با کمال تأسف درگذشت پدر گرامیتان را خدمت شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال غفران و رحمت الهی برای آن مرحوم و صبر و شکیبایی برای بازماندگان آرزو داریم

خدیی و وبانو

برادران گرانقدر، مهربانان علی اکبر، علی اصغر و محمدرضا عزیززاده قناد

پرواز غمگنانه و بی بازگشت پدر ارجمندتان این استوانه مهر و نیک اندیشی و کارآفرینی ما را سخت اندوهگین ساخت . همراه با ابراز همدردی با شما و دیگر بازماندگان بردباری و شکیبایی فراوان برایتان آرزو مندیم .
یادش جاویدان و سرافرازی یادگاران در پی گیری آرمان هایش آرزوی ماست.

محسن، نیما و پویا صالحی

Valid Insurance Services Inc

شرکت خدمات بیمه ای کارآمدان

شرکت خدمات بیمه ای کنش آفرین

سرکار خانم دکتر ملیحه کاشانی

و خاندان معزز کاشانی

درگذشت مادر گرامیتان

را تسلیت عرض نموده و از خداوند سبحان برای آن عزیز آرامش ابدی آرزو داریم. روحش شاد و یادش گرامی.

خانواده های:

دکتر حائریان، دکتر مافی نژاد، دکتر مولوی

بازگشت همه به سوی اوست

با کمال تأسف و تأثر درگذشت

همسر گرامی، برادر مهربان و پدر عزیزمان

بزرگ خاندان شادروان

حاج پسند سرحدی (بازنشسته دانشگاه)

را به اطلاع دوستان، آشنایان و اقوام محترم می رسانیم.

با توجه به محدودیت های اعلام شده و ضمن تشکر از ابراز همدردی

تمامی عزیزان در زمان مناسب میزبان قدومتان خواهیم بود.

ضمناً هزینه مراسم صرف امور خیریه می گردد.

خاندان سرحدی و سایر بازماندگان

هفت روز است که صبح برای ما، با سایه ای از شب آغاز می شود
هفت روز است که در پس هر نوای شادمانه ای هزارها شنیده ای
نتی محزون کشف می کنیم.
هفت روز است که هر گام ما به هروله ای ننگان میان باور و نابوری مانند شده است
هفت روز است که با تمام ناتمام شده مان دست به گریزیم.
هفت روز است که ... رفته ای ...
با قلبی سرشار از اندوه هفتمین روز درگذشت همسر و پدری همراه و مهربان
مرحوم مغفور شادروان

سید محمدرضا مجیدی طهران

را به اطلاع کلیه دوستان، آشنایان و بستگانی می رسانیم. یادآور می شویم
کلیه هزینه مراسم سوگواری صرف امور خیریه خواهد شد.

خانواده مرحوم

۰۹۹۰۲۸۶۳۳

بازگشت همه به سوی اوست

با کمال تأسف و تأثر درگذشت

همسر گرامی، برادر مهربان و پدر عزیزمان

بزرگ خاندان شادروان

حاج پسند سرحدی (بازنشسته دانشگاه)

را به اطلاع دوستان، آشنایان و اقوام محترم می رسانیم.

با توجه به محدودیت های اعلام شده و ضمن تشکر از ابراز همدردی

تمامی عزیزان در زمان مناسب میزبان قدومتان خواهیم بود.

ضمناً هزینه مراسم صرف امور خیریه می گردد.

خاندان سرحدی و سایر بازماندگان

۰۹۹۰۲۸۶۳۳